

«این صدای ملت ایران است»

پس از اقدام تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی علیه کشور، رسانه KHAMENI.IR در پویشی از عموم کاربران دعوت کرد تا پیام‌های صوتی خود را خطاب به نیروهای مسلح به این رسانه ارسال کنند.

این پویش همچنان ادامه دارد و کاربران می‌توانند صدای خود را در تقدیر و حمایت از نیروهای دفاعی کشورمان ارسال کنند. آنچه در پی می‌آید گزیده‌ای از این پیام‌هاست:

آقای Mostafabehnia!الله اکبر؛ این صدای ملت ایران است. زمیندگان! نیروهای مسلح پرافتخار جمهوری اسلامی ایران! به پیش. نه‌راسید؛ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَظْلَعُمْ مِنْ قُوَّةٍ» این دشمنی که در مقابل شماست خس و خاشاکی بیش نیست. نترسید از

هیمنه پوشالی و به‌ظاهر بزرگ آنها؛ درون آنها توخالی و پوشالی‌ست و در مقابل شما توان هیچ عملیاتی را که برای آنها نتیجه‌بخش باشد، ندارند. به پیش بروید که ملت، همه پشتیبان شما هستند.

خانم Sanaz؛الله اکبر؛ این صدای ملت ایران است. شما سربازان امام زمان‌^{علیه السلام} مایه افتخار ایران تمام مسلمانان و آزادگان جهان هستید. دعای خیر اهل بیت ^{علیهم‌السلام} و حضرت ولی عصر ارواح‌اله الفدا، پشتیبان و نگهبان شما و خانواده شریف‌تان باشد، بی‌تردید پیروزی نهایی نزدیک است چراکه حق با شماست و نور حق خاموش‌شدنی نیست. من، همسر و دو فرزندم تا آخرین نفس و آخرین قطره خون در کنار ایران، رهبر عزیزمان و شما مردان با غیرت روزگار هستیم.



سرنه

سرنه

از جمله ی واقعیت‌های عینی جنگ تحمیلی دوازده‌روزه این بود که دشمن ایران میدان شرارت‌های خود را به میدان نظامی محدود نکرده، بلکه فراتر از جنگ نظامی، با جنگ روانی و تبلیغاتی در پی نابود کردن اراده‌ها و تغییر باورهای عمومی است. اظهارات نخست‌وزیررژیم صهیونیستی، ساعاتی پس از حمله‌ی باامداد بیست‌وسوم خرداد، به‌وضوح نشان می‌دهد که متجاوز حساب ویژه‌ای بر روی جنگ روانی و بازی با افکار عمومی ایران باز کرده بود؛ به‌طوری‌که نزدیک به دوسوم از اولین پیام ویدئویی او تلاش برای تحریک افکار عمومی جامعه‌ی ایران است. البته این تلاش شکست مفتضحانه‌ای محتمل شد و در طول جنگ، هرچه جنایات رژیم صهیونیستی دامنه و عمق بیشتری می‌یافت، انزجار عمومی از آن و اتحاد حول ایران و جمهوری اسلامی بیشتر تقویت می‌شد.
باین حال، ماشین جنگ روانی دشمن صهیونیستی و آمریکا، چه در طول جنگ و چه پس از آن، لحظه‌ای از حرکت ناپستاد و به‌طور مستمر، با تولید و پمپاژ روایت‌های جعلی، در حال بمباران افکار عمومی است. در پی ثروز شکفت انگیز اتحاد ملّی و علاقه‌ی آحاد ایرانیان به ایفای نقش در این دفاع مقدّس، به نظری می‌رسد میدان در دسترس و نیازمند نقش‌آفرینی ملّی «میدان جنگ روایت‌ها» است. برخی درس‌ها و عبرت‌ها و الزامات کنش فعال و هوشمندانه در این میدان به شرح زیر است:

آمریکا و رژیم صهیونیستی برای دست زدن به تجاوز علیه ایران، از چند ماه قبل، انتشار روایت «ضعف ایران» را از طریق رسانه‌ها و اندیشه‌های غالباً غربی دنبال و دائماً این گزاره را تکرار کردند که «ایران به واسطه‌ی آسیب دیدن بازوهای منطقه‌ای خود و همچنین مشکلات اقتصادی و اجتماعی، در موقعیت ضعف قرار دارد؛ بنابراین، باید از این موقعیت و پنجره‌ی فرصت استفاده و به ایران حمله کرد.» اینکه خود دشمن متجاوز تا چه حد به این روایت باور داشت موضوع دیگری است؛ اما در مقابل کمپین تبلیغاتی «ایران ضعیف» که زمینه‌ساز تجاوز به کشورمان بود، وظیفه‌ی همگانی ما تولید روایت «ایران قوی» و جلوگیری از بر ساخت ضعف از کشور است.

از منظر افکار عمومی داخلی و خارجی، حمله در حین مذاکره امری به‌غایت شنیع است. این روایت که «ما با وجود بی‌اعتمادی به دولت ایالات متحده و برای خلع سلاح دشمن از بهانه‌ای همچون اینکه اگر مذاکره می‌شد،

خانم Azamani: حافظان خاک پاک میهنم، سرداران، سربازان، نظامیان؛ بوسه می‌زنیم بر دستان پرمهرتان.

از مصیم قلب ممنونیم از شما، به‌خاطر این امنیت، به‌خاطر این آسایش و به‌خاطر این سربلندی درد دنیا. روزی چندین بار به صفحه سجاده پناه می‌بریم و دعای حفاظت از مرزبانان مان را بدیقه رهاختن می‌کنیم و دعای شما هم پشت ما و فرزندان ما باشد، که ما بتوانیم فرزندان مان را مثل شما تربیت کنیم، ان‌شاء الله. این، صدای ملت ایران است؛ الله اکبر.

آقای علی از آلمان: به نیروهای مسلح کشورم می‌خواهم بگویم ای کاش مثل زمان جنگ می‌شد در مسجد اسم بنویسم، سوار اتوبوس بشوم بیایم خط مقدم. ولی جنگ الان این‌طوری نیست. شما که اینجا، پشت دستگاه هستید، نماینده‌ی ما هم هستید. بدانید تا آخر ایستاده‌ایم، به هیرم می‌گوییم: «آقا، ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند». الله اکبر؛ این صدای مردم ایران است. این صدای یک ایرانی در

کار به درگیری نظامی نمی‌کشید، مذاکره‌ی غیرمستقیم با آمریکا را پذیرفتیم اما حین مذاکره، رژیم صهیونیستی با چیراع سبزو هماهنگی آمریکا به کشورمان حمله کرد»، ظرفیت زیادی برای اثبات حقانیت جمهوری اسلامی ایران و افشای ماهیت فریب‌کارانه‌ی آمریکا دارد. در همه‌ی روایت‌های رسمی و غیررسمی، این حلقه باید پُر رنگ باشد؛ همچنان که رهبر معظم انقلاب نیز در دومین پیام تلویزیونی خود بر روی این قضیهٔ انگشت تأکید نهاده‌ن.

در روایت جنگ تحمیلی، روایت «مظلومیت» باید توأمان با روایت «اقتدار» باشد.

در این جنگ، ما تحت ظلم و تجاوز یک رژیم خون‌خوار و شرکای آمریکایی و غربی آن قرار گرفتیم. ثبت بیش از هزار شهید در این ۱۲ روز که ۱۴۰۴ آن از آنان زنان و کودکان بودند در حملات رژیم صهیونیستی به مراکز غیرنظامی، ساختمان‌های مسکونی، بیمارستان‌ها، صداوسیما و ترور دانشمندان کشور، برگ‌های خونینی از کتاب مظلومیت ما است. حتی بر خلاف طرح تبلیغاتی دشمن مبنی بر عادی‌سازی ترور فرماندهان نظامی، مطابق کنوانسیون‌های ژنو، ترور فرماندهان ما در باامداد بیست‌وسوم خرداد مصداق آشکار جنایت جنگی است.
باین حال، در کنار روایت «مظلومیت» که باید با قوّت انجام بگیرد و افکار عمومی جهان هرچه بیشتر از ذات جنایت‌کار رژیم صهیونیستی آگاه شود، این جنگ پُر از صحنه‌های اقتدار ملت ایران و جمهوری اسلامی است؛ از اقتدار نظامی گرفته تا اقتدار اجتماعی. آنچه دشمن را به عقب راند و از روز چهارم جنگ باعث شد با توشل به واسطه‌های گوناگون برای توقف جنگ التماس کند، پاسخ‌های کوپنده‌ی ما به سرزمین‌های اشغالی در قالب موج عملیات وعده‌ی صادق سه در کنار انسجام ملّی و شکست قطعی پروژه‌ی براندازی بود. برای همه مشخص شد که دشمن جنایت‌کار فقط زبان قدرت و اتحاد ما را می‌فهمد؛ اگر نبود موشک‌های ایرانی که حاصل مجاهدت‌های شهیدان طهرانی مقدّم و حاجی‌زاده و هزاران نیروی گمنام و فداکار است ــ دشمنان جلوی چشم همه‌ی دنیا همان کاری را با ایران می‌کردند که با غرّه و لبنان کردند. با وجود پنهان‌کاری رژیم صهیونیستی، اقا ضربات به قدری کاری بوده است که حتی ترامپ چندین بار اذعان کرد که اسرائیل خسارت‌های زیادی دیده است؛ رسانه‌های غربی هم هر چند رویک بار، گزارش‌های جدیدی از آثار حملات موشکی ایران منتشر می‌کنند. بنابراین، روایت «مظلومیت» نباید از روایت «اقتدار» منفک شود. «مظلوم مقتدر» مفهومی بی‌نهایت الهام‌بخش است.

بود که خیال می‌کرد تهاجم خارجی باعث آشوب داخلی خواهد شد؛ این محاسبه‌ی آن‌ها نته‌ها صد درصد شکست خورد، بلکه حمله‌ی آن‌ها به عاملی شتاب‌دهنده برای افزایش انسجام و اتحاد ملّی تبدیل شد و ایرانیان، با هر گرایش و دیدگاهی، حول وطن و دفاع از آن حلقه زدند.

از منظر نظامی و امنیتی، جنگی که دشمن آغاز کرد حاصل یک طراحی پیچیده و بلندمدت و با به‌کارگیری بالاترین سطح فناوری نظامی و اطلاعاتی بود. این حمله خروجی تمام ظرفیت‌های پیشرفته‌ی غرب علیه ایران بود؛ با وجود این، دشمن در این جنگ عقب رانده شد و شکست خورد. عملیات موشکی ایران و ضربات راهبردی و شدید به دشمن تا آخرین لحظه، یک مسئله‌ی عادی نیست؛ بلکه در واقع، هیمنه‌ی تسلیحات و فناوری غرب و آمریکا را شکست. بنابراین، محاسبه‌ی نظامی آن‌ها نیز شکست خورد.

«عاشورا»
 انتشار کتاب <i>تذیله‌القدر</i>
 نویسنده: علی صفایی حائری
 ۸۸

کتاب «عاشورا» اثری از مرحوم حجت الاسلام علی صفایی حائری است که دربارهٔ جهاد نوشته شده است. نویسنده در این کتاب معتقد است؛ عاشورا تنها یک رویداد تاریخی نیست، بلکه نقشه راهی برای زندگی مسئولانه است. رهبر انقلاب اسلامی نیز با استناد به زیارت عاشورا، تأکید می‌کنند که مبارزه بین جبهه حق و باطل تا قیامت ادامه دارد. این واقعه، همواره الهام بخش مبارزات حق‌طلبانانه در طول تاریخ بوده است. عین‌صاد در این کتاب با یادآوری نظرات اندیشمندان و ادیبان در هر دوره

محاسبه‌ی دیگر دشمن که در جریان این جنگ باطل شد، این تصور آن‌ها بود که ورود آمریکا به جنگ باعث تغییر آشکار موازنه به نفع رژیم صهیونیستی و تسلیم شدن ایران خواهد شد. اما اول اینکه آمریکا زمانی وارد شد که معلوم شد رژیم صهیونیستی در چاله افتاده و قدرت پیشروی ندارد؛ پس اصل ورود آمریکا به معنی ضعف آشکار رژیم صهیونیستی است.

دوم اینکه آن‌ها به دنبال تسلیم ملّت ایران بودند، همچنان که ترامپ نوشت ایران باید بی‌قید و شرط تسلیم شود؛ اما پس از حمله‌ی آمریکا ــ که البته این مسئله و ابعاد و میزان تحقق اهداف آن، در خود آمریکا نیز به یک جنجال و رسوایی تبدیل شده است ــ نه‌تنها خبری از تسلیم نشد بلکه تصاعد حملات ایران به رژیم صهیونیستی و در نهایت، حمله به پایگاه آمریکایی العدید نشان داد آمریکا ناچار است که برای توقف جنگ و جلوگیری از تشدید ضربه‌ی حیثیتی بیشتری به خود، دست به‌کار شود.

لذا درحالی‌که ترامپ تا چند روز قبل از آن می‌گفت اسرائیل در حال پیروزی است و از کسی که در آستانه‌ی پیروزی است نمی‌توان انتظار آتش بس داشت، واسطه‌های متعدّدی را برای توقف جنگ و بیرون کشیدن خود و رژیم صهیونیستی از این باثلاق فرستاندند. حمله به پایگاه العدید فقط یک اقدام نظامی نبود بلکه تثبیت این معادله بود که آمریکا اگر برزند، نه‌تنها ایران تسلیم نمی‌شود بلکه منافع و دارایی‌های آمریکا هدف قرار می‌گیرد. حمله به العدید، در واقع، حمله به هیمنه‌ی آمریکا بود.

این، هیمنه‌ی آمریکاست که در دنیا کار می‌کند و با این هیمنه است که آمریکا نظم تحمیلی خود به دنیا را مدیریت می‌کند؛ لذا ضربه به هیمنه‌ی آمریکا ضربه به دارایی راهبردی و حیاتی آمریکا است. درس دیگر این جنگ، رخ نمودن مجدّد صدق وعده‌های الهی برای ملّت ما بود. پیروزی ملّت ایران و شکست دشمن در جنگی که واقعیت آن «جنگ احزاب» بود، تجربه‌ی جدیدی از حالت ایمانی مورد اشاره ی قرآن بود که می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمُ الْوَكِيلُ». ما در این جنگ، یک بار دیگر معیت و هدایت پروردگار قادر را بعینه دیدیم: «إِنَّ قِصَى زَيْ سَيِّدِهِنَّ». اکنون نوبت روایت جامع فتح، البته توأم با حزم و هوشیاری برای دفع قوی‌تر هر گونه شرارت احتمالی است.

ایران و شکست دشمن در جنگی که واقعیت آن «جنگ احزاب» بود، تجربه‌ی جدیدی از حالت ایمانی مورد اشاره ی قرآن بود که می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمُ الْوَكِيلُ». ما در این جنگ، یک بار دیگر معیت و هدایت پروردگار قادر را بعینه دیدیم: «إِنَّ قِصَى زَيْ سَيِّدِهِنَّ». اکنون نوبت روایت جامع فتح، البته توأم با حزم و هوشیاری برای دفع قوی‌تر هر گونه شرارت احتمالی است.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عین‌صاد برخلاف بسیاری، عاشورا را صرفاً یک قیام سیاسی یا عزاداری صرف نمی‌دانست، بلکه آن را الگویی برای زیستن می‌دید. از نگاه او، حسین ^{علیه السلام} نه برای مرگ، بلکه برای احیای ارزش‌های انسانی قیام کرد. عین‌صاد در این کتاب می‌گوید: «باید مرگی را انتخاب کنیم که زندگی را باور کند».

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عاشورا را از زاویه خود تفسیر کرده است؛ مثلاً شیخ طبرسی و محمّش کاشی با نگاهی عاطفی و ادبی، عاشورا را روایت کردند یا علی شریعتی و شهید مطهری با رویکردی انقلابی، آن را نماد مبارزه با ظلم دانستند اما علی صفایی حائری نگاهی متفاوت به عاشورا داشت. او عاشورا را حرکتی برای زندگی بهتر می‌دانست؛ زندگی‌ای که در آن آزادی، مسئولیت‌پذیری و اصلاح جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد.